

فتنه‌گران دیروز گرای تحریم می‌دادند امروز چوب لای چرخ اقتصاد می‌گذارند

فتنه‌گران در سال 88 که به دنبال براندازی جمهوری اسلامی از طریق اردوکنشی‌های خیابانی و با کلیدواژه «تقلب در انتخابات» بوده‌اند پس از ناکامی خود در این هدف با پیام‌ها و نامه‌های متعددی به دشمنان مردم ایران از جمله آمریکا خواستار تحریم‌های کمرشکن و تاثیرگذار شدند، نفوذ برخی از فتنه‌گران در نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز با همان هدف یعنی براندازی دلیل اصلی ناکامی سیاست‌های اقتصادی می‌تواند باشد.



فتنه‌گران در سال 88 که به دنبال براندازی جمهوری اسلامی از طریق اردوکنشی‌های خیابانی و با کلیدواژه «تقلب در انتخابات» بوده‌اند پس از ناکامی خود در این هدف با پیام‌ها و نامه‌های متعددی به دشمنان مردم ایران از جمله آمریکا خواستار تحریم‌های کمرشکن و تاثیرگذار شدند، نفوذ برخی از فتنه‌گران در نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز با همان هدف یعنی براندازی دلیل اصلی ناکامی سیاست‌های اقتصادی می‌تواند باشد.

با گذشت بیش از هشت سال از فتنه 88 که در آن عده‌ای با کلیدواژه و رمز «تقلب در انتخابات» به سوی براندازی جمهوری اسلامی حرکت کردند و با وجود اینکه در این مدت دولتی رفته و دولت دیگر با رای مردم سر کار آمده ولی هدف فتنه‌گران هیچ تغییری نکرده است.

این مهم نشان‌دهنده آن است که «انتخابات» برای اصحاب فتنه تنها یک بهانه بیش نبوده و آنان به دنبال براندازی کلیت ساختاری به نام «جمهوری اسلامی» بوده‌اند و این هدف همچنان در سرلیست برنامه‌های آنان قرار دارد.

در اوج فتنه 88 فتنه‌گران با صراحت و یا به تلویح از آمریکا خواستند که حمایت خود را از آنان علنی کرده و در راستای این حمایت ایران را تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار دهد.

دو سال پیش متن نامه‌ای در رسانه‌های عمومی منتشر شد که حکایت از یک هدف مشترک بین آمریکا و اصحاب فتنه در داخل کشور داشت و آن هم استفاده از ابزار تحریم برای براندازی جمهوری اسلامی!

مرداد 1394 «مایکل لدین» مشاور سابق شورای امنیت ملی آمریکا، عضو برجسته مؤسسه «آمریکن اینترپرایز» در یادداشتی در نشریه «فوربس» نوشته بود: «سناتور «چاک شامر» نقش مستقیمی در نامه‌نگاری محرمانه بین دولت اوباما و سران آشوب علیه دولت ایران در سال 1388 و در پی انتخابات ریاست جمهوری داشته است.

لدین می‌افزاید: دولت (آمریکا) تصمیم گرفت پیامی برای گروه موسوی و جنبش سبز بفرستد. سناتور شامر دوستی در وال استریت داشت که با سبزه‌ها در ارتباط بود و همان فرد به عنوان رابط انتخاب شد.

وی در ادامه می‌نویسد: از شامر خواسته شد از طرف دولت این پیام و سؤالات پیوستش را به رهبران سبزه‌ها منتقل کند. سؤالات این‌هاست: «ما باید چه کاری انجام دهیم؟ چه کاری نباید انجام دهیم؟» پاسخ این پیام در یک یادداشت 8 صفحه‌ای در تاریخ 30 نوامبر 2009 (9 آذر 88) دریافت شد. نویسندگان محتاط بوده‌اند و متن امضا نشده و من دلائل روشنی دارم که چند نفر در تهران روی آن کار کرده‌اند.

در این نامه تصویری از ایران با عبارت «ایران به سوی خشم» آمده است که این کشور تحت «حکومت استبدادی»، «رژیمی خشن» و «دیکتاتوری» است که با سرکوب مردم و چپاول منابع عمومی ادامه حیات می‌دهد. همچنین در این نامه تأکید شده است: «حکومت قابل اصلاح نیست اما نیروهای حامی تغییر در داخل قوی هستند و به خوبی هدایت می‌شوند!»

لدین همچنین در ادامه مطلب خود می‌نویسد: سبزه‌ها به دولت اوباما دقیقاً گزینه‌های واقعی را گفتند؛ یا از رژیم حمایت کنید یا از آزادی حمایت کنید و تغییر دموکراتیک در ایران را تشویق و حمایت کنید. نویسندگان آن نامه به واشنگتن هشدار داده‌اند که اگر با تهران به توافق هسته‌ای دست یابد، باید در برابر رویکردهای خارجی و داخلی تهران سکوت کند.

در بخش‌هایی از این نامه که در 9 آذر فرستاده شده، به طرف آمریکایی اطلاع داده می‌شود که تظاهرات بزرگ بعدی برای 16 آذر روز دانشجو برنامه‌ریزی شده است.

تقسیم کار دقیق برای تحریم‌های سنگین علیه ملت ایران!

سه سال پس از ارسال این نامه که محتوای آن مرداد 1394 منتشر شد، در پی یک اختلاف میان عناصر خارج‌گرا و نشین ضد انقلاب، نیک‌آهنگ کوثر یک فایل صوتی از مهدی هاشمی رفسنجانی منتشر کرد.

مهدی هاشمی در بخشی از فایل صوتی در اظهاراتی پیرامون فعالیت‌هایش در معارضة با نظام اسلامی می‌گوید: «ما تقسیم کار کرده‌ایم هر کسی کار خودش رو می‌کند... وظیفه من به عنوان مهدی هاشمی این نیست که رسانه‌های خبری را کنترل کنم. من وظیفه‌ای برایم تعریف شده که آن را انجام می‌دهم.»

نیک‌آهنگ کوثر در اشاره به روابط خود با مهدی هاشمی می‌گوید: «من و مهدی هاشمی بارها با هم در تماس بوده‌ایم. در یکی از موارد که به من زنگ زد و وقتی فهمید من در حال رفتن به واشنگتن هستم از من خواست تا راجع به بحث تحریم اقتصادی ایران کسانی را در آمریکا ببینم و می‌خواست بداند واشنگتن چه کسانی هستند که بشود با ارتباط و تشویقشان تحریم‌های سنگین‌تری را علیه مردم ایران تحمیل کرد. این برای من مسئله عجیبی بود که مهدی هاشمی، پدر و خانواده‌اش در ایران باشد و بخواهد این بحث تحریم را از طریق آمریکایی‌ها پیگیری کند و البته با آدم‌های مختلفی نیز در این زمینه صحبت کرده بود.»

روزنامه لس‌آنجلس تایمز نیز 23 مهر 1388 از رایزنی مقام آمریکایی با سران اپوزیسیون و نمایندگان سران جنبش سبز خبر داد.

جان هانا به این روزنامه می‌گوید: «مطمئناً پیامی که من از گردهمایی اخیر فعالان اپوزیسیون ایران- که در میان آنها بعضی شخصیت‌های نزدیک به رهبری جنبش سبز حضور داشتند- شنیدم، این بود که تحریم باید اعمال شود و هرچه شدیدتر باشد؛ تحریم تدریجی، فقط به رژیم این امکان را می‌دهد که خود را با وضعیت جدید تطبیق دهد. آنها گفتند برای اینکه تحریم مؤثر باشد، باید به صورت شوک وارد شود که فلج کند، نه مانند واکسن. برخی از آنها نگرانند رژیم بر اثر حمله نظامی فلج نشود و به جای آن، جنبش سرکوب شود. با وجود این نگرانی پیشنهاد دادند بمباران تأسیسات هسته‌ای و مراکز سپاه پاسداران و بسیج - هر چند که تعدادی از مردم را هم نابود کند- موجبات براندازی را تسریع خواهد کرد.»

تحریم بدون درنگ! در همین راستا جان مک کین سناتور معروف آمریکایی در سالگرد آغاز فتنه در خرداد 1389 پرده از سیاست ایالات متحده در قبال آمریکا همزمان با تحرکات سران فتنه در داخل برداشت و آن تحریم‌های گسترده و بلادرنگ! سناتور جان مک کین، سناتور جمهوریخواه از ایالت آریزونا در سالگرد دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و آغاز فتنه 88 در جلسه‌ای در «بنیاد ملی دموکراسی» می‌گوید: «بالاخره قطعنامه تحریم‌های بیشتر علیه ایران به تصویب رسید. اما این آخرین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در ماهیت خود، ناکافی است. اکنون لازم است که کنگره آمریکا کار خود را در مورد تصویب لایحه تحریم‌ها علیه ایران به پایان برساند، ما می‌توانیم آن را بدون تأخیر به تصویب برسانیم.»

وی در ادامه گفته بود: دولت آمریکا باید بدون تأخیر تحریم‌های خود را علیه مقامات ایران، بازرگانان و بانک‌هایی که سیاست‌های خطرناک‌ترین رژیم‌ها را ترویج می‌کنند؛ اعمال کند و باید از متحدان خود در اروپا، آسیا و خاورمیانه بخواهد که همان تحریم‌ها را اعمال کنند. مک کین در ادامه افزوده بود: ما می‌توانیم تمام دوستان و متحدان خود را در بخش خصوصی و بخش عمومی و در کشورهای که با ما همفکری معنوی دارند، تجهیز کنیم تا حقانیت رژیم ایران را به چالش طلبند و از مردم ایران برای آنکه نهاد دولت خود را به گونه‌ای صلح‌آمیز و با شرایط خود تغییر دهند؛ حمایت کنیم! این سناتور آمریکایی در بخش دیگری از سخنان خود منافع سران و اصحاب فتنه را منافع ایالات متحده خوانده و گفته بود: ما باید درکنار آن‌ها بایستیم، لازم است که اهداف آنان را اهداف خود بدانیم. منافع آنان منافع ماست و تلاش‌هایشان، تلاش‌های ما. علت اصلی تحریم‌ها!

با توجه به آنچه ذکر شد علت اصلی اعمال تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده مشخص می‌شود، گرای تحریم از سوی فتنه‌گران به آمریکا داده شده و ایالات متحده در جهت براندازی جمهوری اسلامی و حمایت از متحدان طبیعی خود در داخل این تحریم‌ها را اعمال می‌کند. این حقیقت ادعای آمریکایی‌ها و متحدین داخلی آن‌ها اعم از همه طیف‌های اصطلاح اپوزیسیون از سلطنت‌طلب‌ها گرفته تا لیبرال‌ها و سران و اصحاب فتنه را زیر سوال می‌برد که هدف تحریم‌ها برنامه هسته‌ای ایران بوده و در صورت تعامل و سازش در این باره تحریم‌ها برداشته شده و همه مشکلات حل خواهد شد.

گفتنی است رژیم تحریم‌های ایران که هنوز پس از توافق موسوم به برجام برداشته نشده است، ریشه در قطعنامه 1929 شورای امنیت دارد که 25 خرداد 1389 (ژوئن 2010) صادر شد. تمام تحریم‌های یکجانبه‌ای که اکنون به‌عنوان تحریم‌های مؤثر علیه ایران از آنها یاد می‌شود (تحریم‌های انرژی و مالی) در واقع براساس زیرساخت حقوقی که در این قطعنامه ایجاد شد، اعمال شده است. اما این قطعنامه اساساً نه یک قطعنامه هسته‌ای و نه با هدف واکنش نشان دادن به سیاست‌های هسته‌ای ایران اعمال شده بود.

قطعنامه 1929 که دقیقاً در سالگرد فتنه 88 تصویب شد، محصول تعامل راهبردی آمریکا و متحدانش درباره نحوه کمک به ضد انقلاب در ایران و یکی از خروجی‌های بازنگری استراتژیک آمریکا در سیاست خود درباره ایران پس از فتنه 88

است.

در واقع تصمیم به اینکه اعمال تحریم و فلج‌های اقتصادی علیه ملت ایران، بهترین راه حمایت از جنبش سبز و جلوگیری از میرایی آن در محیط داخلی ایران است، محصول مباحث و مذاکراتی بسیار بلنددامنه در محیط سیاستگذاری استراتژیک دو حزبی آمریکا بوده که تا امروز مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است.

اگر به ادبیاتی که در آن مقطع از سوی مقام و فلج‌های رسمی، تحلیلگران، اندیشکده‌ها و رسانه‌های آمریکایی در این باره تولید شده مراجعه کنیم، به سرعت درخواهیم یافت این ادبیات از این حیث که به ما بگوید هدف واقعی اعمال تحریم و فلج‌ها چه بوده و اساساً چه چیز آمریکایی‌ها را متقاعد کرد تحریم‌های خلع سلاحی را بدل به تحریم و فلج‌های اقتصادی کنند، کاملاً شفاف و صریح است. نه مقام و فلج‌های دولتی آمریکا و نه رسانه‌ها و تحلیلگران حامی آنها، در آن مقطع، ابهامی در این باره باقی نگذاشته‌اند که هدف اصلی، اثرگذاری بر محیط داخلی ایران، احیا و قدرتمندسازی فتنه سبز و نهایتاً محقق کردن اهداف کلان آمریکا در ایران از طریق این جنبش است.

بهار 89؛ احساس خطر در واشنگتن

بهار 89 با اوج گرفتن بحث و فلج‌ها درباره ضرورت اعمال تحریم و فلج‌های جدید علیه ایران در اروپا و آمریکا آغاز می‌شود. نخستین حملات مقام و فلج‌های آمریکایی وقتی مردم ایران از تعطیلات نوروزی بازمی‌گشتند چیزی در این حول و حوش بود که وقت تحریم و فلج‌های جدید فرارسیده است. سران و اصحاب فتنه که در 22 بهمن 88 با استفاده از استراتژی و فلج‌های که «اِسب‌ترا» نامیده شد، سعی کرد راهپیمایی انقلابی مردم را مصادره کرده و با سوءاستفاده از فضای کارناوالی جشن 22 بهمن، بار دیگر عرض اندام کند. اما شوک ناشی از خیزش مردمی 9 دی به گونه و فلج‌های بود که این جریان در عمل هیچ توفیقی به دست نیاورد و 22 بهمن بدل به یکی از پرشورترین تجمعات ضدفتنه در کشور شد.

نخستین و فلج‌ها؛ 13 فروردین، اوباما رئیس و فلج‌ها؛ جمهوری وقت آمریکا اعلام کرد خواستار آن است که شورای 15 عضو امنیت سازمان ملل در عرض چند هفته و نه چند ماه قطعنامه تحریم و فلج‌های جدیدی را علیه ایران به علت برنامه هسته و فلج‌ها؛ تصویب کند.

وضع به گونه و فلج‌های بود که ناظران اینگونه ارزیابی کردند که آمریکا آشکارا و به طرز غیرقابل و فلج‌ها؛ فهمی، «عجله و فلج‌ها؛ دارد. هیلاری کلینتون، وزیر وقت خارجه آمریکا هم پیش و فلج‌ها؛ بینی کرد شورای امنیت در زمینه تحریم و فلج‌های جدید ایران به اجماع خواهد رسید.

قبل از همه اینها، هاوارد برمن، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، یک هفته پیش و فلج‌ها؛ تر، در سخنرانی در صحن مجلس گفته بود: ما به شدیدترین تحریم و فلج‌ها؛ و در سریع و فلج‌ها؛ ترین زمان ممکن نیاز داریم. خیلی زود اروپایی و فلج‌ها؛ هم وارد صحنه شدند و به و فلج‌ها؛ عنوان نمونه آنگلا مرکل صدراعظم آلمان گفت روی قید زمانی زود برای اعمال تحریم و فلج‌ها؛ تاکید دارد.

هدف اصلی قطعنامه 1929

با وجود ظاهرسازی بی و فلج‌ها؛ سابقه آمریکا، اروپا و اسرائیل درباره هدف قطعنامه 1929 و تلاش به ظاهر وسیع برای مرتبط نشان دادن آن با سیاست هسته و فلج‌ها؛ ایران، مرور روند تحولات و مطالعه مجموعه اظهارات و تحلیل و فلج‌ها؛ منابع و مقام و فلج‌ها؛ های غربی در فاصله زمانی فروردین 89 تا روز تصویب قطعنامه، حاوی نشانه و فلج‌ها؛ های بسیار روشنی است در این باره که هدف اصلی این قطعنامه ایجاد نوعی دیالکتیک (رفت و برگشت/ بده بستان) با جریان فتنه در ایران بوده است. در این راستا قطعنامه 1929 برجسته و فلج‌ها؛ ترین سند در تاریخ هموردی و رقابت راهبردی ایران و آمریکاست که نشان می‌دهد عامل اصلی شکل و فلج‌ها؛ دهنده به سیاست آمریکا درباره ایران ارزیابی آن از موقعیت جریان غربگرا در ایران، و تنگناها، نیازمندی و فلج‌ها؛ ها و فرصت و فلج‌ها؛ های آن است. این اصل بنیادینی است که می‌توان آن را از همین حالا به عنوان نتیجه این پژوهش تلقی کرد.

نگاه به سرجمع ادبیات تولید شده حول و حوش این قطعنامه، تردیدی در این باره باقی نمی‌گذارد که غربی و فلج‌ها؛ ها وقتی در آغاز سال 1389 به فکر بازنگری راهبرد خود در قبال ایران افتادند و سپس در چارچوب این بازنگری راهبردی، قطعنامه 1929 و به دنبال آن سلی از تحریم و فلج‌ها؛ های یک و فلج‌ها؛ جانبه کاملاً بی و فلج‌ها؛ سابقه در جهان را علیه ایران اعمال کردند، در واقع محیط داخلی ایران را هدف گرفته بودند نه برنامه هسته و فلج‌ها؛ ای ایران را. هدف اولی و ذاتی 1929 در حقیقت «تقویت جریان فتنه در ایران، افزایش اقبال اجتماعی به سمت آن و کاهش توان مقاومت نظام در مقابل این جریان» بوده است.

تکرار اشتباه

رهبر معظم انقلاب از آغاز تا پایان غائله 88 در برابر خواست فتنه و فلج‌ها؛ گران برای ابطال جمهوریت نظام مقاومت کرده و تغییر در قوه مجریه را نه در خیابان و فلج‌ها؛ ها و با اردوکشی و فلج‌ها؛ های خیابانی که به صندوق و فلج‌ها؛ های رای منوط دانستند. خرداد 1392 انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری برگزار و این بار فردی دیگر سکandar ریاست قوه مجریه می‌شود و این روند برای انتقال قدرت چنان و فلج‌ها؛ که در قانون اساسی پیش و فلج‌ها؛ بینی شده همچنان ادامه دارد ولی آنچه که سکانداران اخیر قوه مجریه و فراتر از آن دیگر نهادهای تصمیم و فلج‌ها؛ گیر و تصمیم و فلج‌ها؛ ساز به

فراموشی سپرده‌‌اند هدف فتنه‌‌گران از اقدامات ساختارشکنانه خود بوده است. فتنه‌‌گران چنان‌‌که ذکر آن رفت به دنبال تغییرات بنیادین بوده و انتخابات در راستای رسیدن آنان به هدف تنها یک بهانه بوده است، آنان به دنبال آنکه از اردوکنشی‌‌های خیابانی به نتیجه دلخواه خود نرسیده و این فتنه با قیام میلیونی مردم در نه دی 1388 به پایان رسید با آمریکا تماس گرفته و خواستار اعمال تحریم‌‌های اثرگذار و فلج‌‌کننده شدند. مدیران نهادهای تصمیم‌‌گیر و تصمیم‌‌ساز در جمهوری اسلامی از قوه مجریه گرفته تا مقننه و شوراهای شهر و روستا که مسئولیت‌‌های مهمی در اختیار دارند بایستی به این مهم توجه کرده و مرزبندی‌‌های خود را با فتنه‌‌گران مشخص می‌‌ساختند ولی متأسفانه این مرزبندی از سوی برخی مسئولین در دوره‌‌های اخیر رعایت نشده است. به‌‌خصوص آنکه یک سال پیش و در دی ماه 1395 سی نفر از ضد انقلاب خارج‌‌نشین طی نامه‌‌ای به ترامپ رئیس‌‌جمهور آمریکا خواستار اعمال تحریم‌‌های جدید علیه ایران با بهانه‌‌های حقوق بشری و حمایت از تروریسم شدند. افرادی که در سال 88 به دشمنان این ملت گرای تحریم می‌‌دادند امروز با نفوذ در برخی نهادهای تصمیم‌‌گیر و تصمیم‌‌ساز همان رویه را ادامه می‌‌دهند چرا که هدف نهایی این عده براندازی جمهوری اسلامی است و شاید با این تحلیل مبتنی بر واقعیت بتوان دلیل اصلی برداشته نشدن تحریم‌‌ها پس از فتنه 88 و تأثیر نداشتن رفت و آمدهای هیئت‌‌های متعدد اقتصادی و سیاسی غربی به ایران را دانست.